

کتیبه قراخانی حاوی قطعه شعری به نام *kām-i dil*، افراسیاب، حدود ۱۲۰۰ میلادی



برنوشته یادشده، گزارش‌های پراکنده‌ای راجع به دودمان‌های فرمانروای ترکستان ارائه داده که در نوع خود، بی‌نظیر است. قرشی البته خاطر نشان می‌سازد که روایت خود از ماجرای اسلام‌پذیری ستوق بغراخان را از کتاب تاریخ کاشغر ابوالفتوح عبدالغفور (ابوالفتوح عبدالغافرین حسین‌المعی) نقل کرده است؛ اما متأسفانه کتاب تاریخ کاشغر امروزه برجای نمانده است. واسیلی بارتولد (وفات ۱۹۳۰ م.) برای نخستین بار، به اهمیت نسخه خطی ملحقات صراح‌اللغه در شناخت تاریخ آغازین قراخانیان پی‌برد و گزارشی از آن ارائه داد.^۲ بعدها سعید نفیسی همین گزارش بارتولد و ترجمه آن را در حواشی و تعلیقات خویش بر کتاب تاریخ بیهقی

سکه‌های مربوط به دوره قراخانی



۱. عبدالکریم ستوقی بُغراخان و اسلام‌پذیری قراخانیان در ترکستان

سرزمین گسترده‌ای که از کرانه‌های خاوری سیردریا (سیحون) آغاز شده و با گذر از استان‌های ایلاق، چاچ و آشروسنه تا حدود کاشغر و تورفان و صحاری نکل‌مکان و حوضه رود تاریم ادامه می‌یافت، از دیرباز تحت تأثیر فرهنگ مردمان ایرانی‌زبان قرار داشت و با اینکه در بیشتر برهه‌های تاریخی، از نظر سیاسی بخشی از قلمرو دودمان‌های حکومتگر ایران به شمار نمی‌آمد؛ از نظر فرهنگی، پاره‌ای از حوزه تمدنی ایران بود. در آستانه برآمدن عرب‌ها و فروپاشی شاهنشاهی ساسانی در نیمه نخست سده یکم هجری، سرزمین‌های فرارود و شرق سیردریا، دیگر بخشی از قلمرو سیاسی ساسانیان نبودند و حتی از نظر جمعیتی نیز به علت مهاجرت‌های پی‌درپی مردمان کوچ‌رو، جمعیتی آمیخته و ناهمگون داشتند.^۱

شرایط یادشده، سیر فتوحات عرب‌ها را در منطقه با مانع روبه‌رو کرد و سبب شد تا روند اسلام‌پذیری مردمان منطقه، به گونه‌ای دیگر صورت پذیرد. چوکسی به هنگام دسته‌بندی شیوه‌های اسلام‌پذیری ایرانیان بر اساس شاخصه‌های جغرافیایی، الگویی سه‌گانه پیش می‌کشد که در آن، مردمان ایالت‌هایی همچون آذربایجان، عراق [عرب]، خوزستان و سیستان با هماهنگی نسبی و تعامل با فاتحان عرب، اهالی جبال، فارس، کرمان و خراسان با جنگ‌های متناوب و مردمان کرانه‌های دریای کاسپی و ماوراءالنهر، ضمن ستیز دائمی با عرب‌ها به اسلام‌گرایی نشان دادند.^۳ در این الگو، البته معیارهای دیگری همچون ترجیح‌های شخصی، محل سکونت (شهر یا روستا)، بازه زمانی، شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و مواردی از این قبیل هم دخیل بودند که چوکسی به آن‌ها پرداخته است. درباره ترکستان و قلمرو ترکان قراخانی، شرایط تا اندازه زیادی شبیه به وضعیت موجود در ماوراءالنهر بود؛ یعنی ستیز پیوسته و لشکرکشی‌های متناوب مجاهدان و غازیان به قلمرو ترکان نامسلمان. با این حال، ویژگی منحصر به فردی که در روند اسلام‌پذیری قراخانیان دیده می‌شود، پیشگامی شاهزاده‌ای از دودمان حکومتگر است. همین نکته، گسترش اسلام در میان قراخانیان را تا اندازه‌ای به اقدامات داوطلبانه شاهزادگان قلمروهایی نظیر روسیه کی‌یف، مجارستان، لهستان و بوهیم در پذیرش مسیحیت در اروپای قرون وسطی شبیه می‌گرداند.

سرزمین‌های خاور سیردریا و ترکستان بودند که در سده چهارم هجری و با پذیرش کیش اسلام، در زمره حکومت‌های مسلمان درآمدند. بر اساس گزارش‌های پراکنده، نخستین فرد از دودمان مزبور که به دین اسلام گروید، عبدالکریم ستوق بُغراخان بود که در نیمه نخست سده چهارم هجری در دیار ترکستان می‌زیست و به خاندان فرمانروایان ترک‌تبار آن سرزمین تعلق داشت. نخستین منبعی که رویداد اسلام‌پذیری این شاهزاده قراخانی را گزارش کرده است و به یک معنا، کهن‌ترین روایت مبسوط برجای مانده از گروه وی به آیین نوین است، ملحقات و ذیل ابوالفضل محمد بن عمر، معروف به جمال قرشی، ادیب، نحوی و دولتمرد ترکستانی سده هفتم هجری، بر کتاب صراح‌اللغه است. کتاب صراح‌اللغه در واقع تلخیصی ترجمه‌گونه از کتاب صحاح‌اللغه ابونصر اسماعیل جوهری فارابی (۳۳۲-۳۹۸ ق.) است و جمال قرشی در ملحقات عربی خود